



برنامه با تهیه‌کنندگی رقیبه زهرا پرندآور روزهای شنبه تا دوشنبه به صورت زنده از ساعت ۱۷ و ۳۰ دقیقه تا ۱۹ از موج FM ردیف ۵/۱۳ مگاهرتز پخش خواهد شد و خروجی برنامه به عنوان یک گزارش سیاستی در اختیار نهادهای سیاستگذار و مقررات‌گذار قرار خواهد گرفت.

گسترده‌ای بین موافقان و مخالفان این طرح در سطح جامعه و به‌ویژه نزد نخبگان و همچنین کاربران شبکه‌های اجتماعی ایجاد شده است. بنابراین گزارش، رادیو گفت‌وگو از روز شنبه به مدت سه روز متوالی با حضور کارشناسان به واکاوی و نقد و بررسی طرح صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی خواهد پرداخت. این

شبکه رادیویی گفت‌وگو با هدف تبیین ابعاد مختلف طرح صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی، با حضور کارشناسان مختلف به بررسی و واکاوی این طرح می‌پردازد. به گزارش روابط عمومی رادیوگفت‌وگو، پس از تصویب طرح صیانت از حقوق کاربران فضای مجازی در مجلس شورای اسلامی، بحث‌ها و جنجالی‌های

ضعیت زرد» در تحریریه جام جم

سلبریتی‌ها را بشکنیم

به گفته دست‌اندرکاران این سریال ۱۳ قسمتی که هر شب حوالی ساعت ۱۹ و ۳۰ دقیقه راهی آنتن شد، احتمال ادامه دار شدن وضعیت زرد و جود دارد و مخاطبان در آینده شاهد فصل‌های دیگری از زندگی شخصیت‌های این سریال خواهند بود. برای بررسی سریال نشست با حضور عوامل آن در روزنامه جام جم برگزار شد. حامد بامروت‌نژاد (تهیه‌کننده)، مجید رستگار (کارگردان)، علی عموکاظمی (نویسنده)، حسین غلامی (روابط عمومی)، مهران رجبی، زین العابدین تقی‌پور، حسام خلیل‌نژاد و بهار داورزنی (بازیگران) از مهمان حاضر در این نشست بودند که به پرسش‌های ما پاسخ دادند.



عکس: عارف طاهرکار / جام جم



داخلی ممکن است تفاوت داشته باشد.

مثلا سیتکام‌های خارجی عموما همراه با صدای خنده هستند و شما این بخش را در سریال‌تان قرار ندادید.

بامروت‌نژاد: در آن سریال‌ها جاهایی که طنز شکل می‌گیرد صدای خنده مخاطب پخش می‌شود. برآورد ما این بود که مخاطب ایرانی چنین چیزی را برنمی‌تابد و این که به او بگویی بخند را پس می‌زنند. پس این‌گونه نبود که کاملاً آن فرم را برداریم و فقط بازیگران و متن را عوض کنیم. با این معیار که مخاطب ایرانی چه دوست دارد جلو رفتیم.

چند نمونه از آثار موفق که به آنها توجه داشتید را نام می‌برید؟

بامروت‌نژاد: آثار خارجی که زیاد است، مثل سریال‌های دوستان، تئوری بیگ بنگ و... در داخل هم برخی کارهای موفق آقای مدیری به فضای سیتکام خیلی نزدیک بودند. در فضای داخلی یک اشتباهی که معمولاً سر سیتکام اتفاق می‌افتد این است که عموماً آن را به لوکیشن محدود تقلیل می‌دهند. در حالی که لوکیشن محدود فقط یکی از ویژگی‌های سیتکام است. ویژگی دیگر، جنس شوخی‌های کلامی آن است. یکی از دوستان تغییر خوبی به کار برد و گفت

سیتکام یک جور استندآپ کمدی جمعی است.

بامروت‌نژاد: دقیقاً. یکی از مضضاتی که ما داشتیم این بود که بداهه گفتن برای

بازیگران، به خصوص بازیگران طنز طبیعی است. اصلاً یکی از ویژگی‌های بازیگر طنز این است که بتواند بداهه بگوید و در سیتکام این خیلی ظرافت دارد.

باید کنترل شده باشد؟

بامروت‌نژاد: در متن گاهی یک کلمه اگر جابه‌جا شود همه چیز عوض می‌شود. بازیگر بداهه‌پرداز مفهوم متن را می‌گیرد و آن را متناسب با شرایط و بازی‌اش به روزرسانی می‌کند اما در این فضا نمی‌شد چنین کاری کرد. تلاش داشتیم از لحاظ جنس شوخی‌ها که کاملاً کلامی است و کاشت و برداشت دارد به این سبک نزدیک شویم و معیارمان تناسب با فرهنگ ایرانی بود. اما مدام نگرانی داشتیم خوب از آب درمی‌آید یا نه؟ برای همین فصل اول را جمع‌وجورتر گرفتیم. البته برای مخاطب ایرانی و سیتکام که شخصیت محور است تازه بعد از ۱۰ قسمت شخصیت‌ها جا می‌افتند و تازه مخاطب با آن همراه می‌شود و همین کار را سخت می‌کند.

باخته می‌شود براساس بداهه است. یک متن آن می‌گوید کار را جلو می‌برند. اینجا دیالوگ‌های داخل آنها جریان داشت و اگر یکی از آنها جابه‌جا می‌سیتکام دارد همین است. کاملاً دیالوگ محور

چندان نتوانستند موفق باشند و اگر هم موفق می‌دانست، فقط به این فضا نزدیک شدند. چطور

می‌کنم جواب داده است. باید درباره ذائقه‌سازی اتاقه‌سازی برای مخاطب در سینما داشتیم. از سلا طنز نیست و به لوده بازی نزدیک است. به هر می موفق بوده است و گاهی نه. این به عهده رژیم و فضا را فراهم کنیم تا چیزی را قبول و به خوبی توسط نویسنده، کارگردان، گرپیش برود، مطمئن هستم مخاطب پذیرد.

دوم تا لحظه‌های آخر این احتمال

تغییراتی در آن اتفاق بیفتد.

مر همین تردیدها بود؟

فصل اول را طوری طراحی

می‌باشد. برای ما خوب بود

با توانیم قلق‌گیری کنیم

رانه دهیم. وقتی تصمیم

پیش ببریم یادم هست

دده داخلی و خارجی را بررسی

کی از کارهای شکست خورده

حرف

برایشان افتاد، حرف

مونه خارجی با ذائقه مخاطب

بامروت‌نژاد، تهیه‌کننده

شوخی و خط قرمزها

در سریال مواردی می‌بینیم که شاید پیش از این کمتر

در قالب تلویزیون به این اندازه با آنها شوخی شده است.

برای بخش این قسمت هاد چار ممیزی و خط قرمز نشدید؟

عموکاظمی: من موقع نوشتن به پیشنهاد تهیه‌کننده خودسانسوری نکردم. شوخی‌هایی نوشتم که آن موقع مطمئن بودم در تلویزیون پخش نمی‌شود، اما دیدم که شد!

یعنی تمام آنها پخش شد؟

عموکاظمی: اکثریتش. بعضی قسمت‌ها را که نگاه می‌کردم باورم نمی‌شد پخش شده باشد. بعدش رفتم تلویویون را دیدم گفتم شاید آنجا حذف شده باشد، اما دیدم هست. توصیه آقای بامروت‌نژاد باعث شد خودسانسوری نکنم. خدا را شکر کار خنثی نشد. امیدوارم در ادامه هم همینطور باشد و تلویزیون همینقدر خوب با کار برخورد کند.

بامروت‌نژاد: از تلویزیون و مدیریت شبکه سه تشکر می‌کنم. بعضی شوخی‌های ما با خود شبکه و تلویزیون بود که با سعه‌صدر برخورد کردند و پخش شد.

آقای رستگار، تعامل شما با نویسنده چطور بود؟

رستگار: تقریباً از قسمت چهارم و پنجم به بعد در جلسات

بررسی طرح صیانت از حقوق کاربران فضای مجازی در رادیو گفت‌وگو

مشابه رضا زیاد داریم

آقای خلیل‌نژاد، رضا شخصیتی فرصت‌طلب و گاهی سودجو است که البته سادگی‌های خاص خود را هم دارد. برای این شخصیت مابه‌ازایی داشتید؟

حسام خلیل‌نژاد (بازیگر نقش رضا): مشابه رضا بسیار است. در هر اداره و ارگانی، چه خصوصی و چه دولتی می‌شود مثل او پیدا کرد.

تقی‌پور: آدم‌ها یا این‌طوری هستند یا دوست دارند این‌طوری باشند.

البته سعید دوست ندارد این مدلی باشد.

خلیل‌نژاد: او هم یک جاهایی قاطی ماجراهای رضا می‌شود و گاهی گیر می‌کند. با نویسنده، کارگردان و بازیگردان درباره این حرف زدیم که رضا شخصیت بد و تلخی نیست. هرطور شده نانی درمی‌آورد اما باز اخلاق مدار است. سعی دارد به دوستانش هم یک نانی برساند و دست‌شان را بگیرد.

تضاد در شخصیت او وجود دارد. گاهی می‌خواهد زرتنگ بازی در بیاورد اما کارهای کودکانه می‌کند. مثلاً برای جنگی فیلم گفتگ‌های اسباب‌بازی پچه‌اش را می‌آورد؛ فاصله میان زرتنگی و سادگی‌اش زیاد نیست؟

خلیل‌نژاد: رضا درک درستی از هنر ندارد. یک سری کارها را نمی‌تواند بکند و بلوف می‌زند. آرش می‌داند «نجات سرباز رایان» یک فیلم فاخر است اما رضا نمی‌داند و می‌گوید حالا که نمی‌توانی آن را بسازی، نجات سرباز سامان را بساز!

رستگار: مابه‌ازای این شخصیت را زیاد داریم. کسانی که از هنر، سینما و تلویزیون سر رشته ندارند اما وارد می‌شوند و فکر می‌کنند راحت و کیلویی می‌شود کار ساخت. من به عینه از این دست آدم‌ها دیدم. این شخصیت هم براساس همین عینیت‌ها شکل گرفته است.

بازخورد‌های مخاطبان در فضای مجازی و... چگونه بوده است؟

خلیل‌نژاد: خیلی خوب و فراتر از حد انتظار بوده است. وقتی کارگردانی، بازیگردانی،

به اضافه استندآپ

بخش استندآپ کمدی که در دل سریال گنجانده شده، نوع روایت را از یکدستی خارج می‌کند. هرچند در چند سکانس منطق حضور این بخش بیان شد اما همچنان نیازی به آن احساس نمی‌شود. چرا این بخش را اضافه کردید؟

بامروت‌نژاد: در این باره هیچ دفاع یا ردکردنی ندارم. داریم تجربه می‌کنیم. من این نقد و خیلی از نقدهای این چنینی را با این گزاره برای خودم حل می‌کنم که داریم تجربه می‌کنیم و باید کم‌کم موزه‌ه‌ه کنیم و ببینیم مخاطب چه می‌پسندد.

الگویی برای اضافه کردن استندآپ‌ها داشتید؟

بامروت‌نژاد: نمونه نداشتیم.

عموکاظمی: البته نمونه‌های خارجی داریم که استندآپ وسط کار است مثل «ساینفلد» یا «لونی» اما در آنها خود کاراکتر استندآپ‌کمدین است. یک جوهرایی در دل قصه

نقش خود را بازی می‌کنند. اینجا سعی کردیم این بخش را با توجه به قسمت‌های

سعیدهایی که می‌شناسم

آقای تقی‌پور، سعید شاید یک جوهرایی پررنگ‌ترین نقش شما در تلویزیون باشد. با توجه به این که می‌گویند مردم ایران سخت می‌خندند؛ نترسیدید بالغرض در ایفای این نقش برای همیشه از سوی مخاطبان پس زده شوید؟

تقی‌پور: هنوز نمی‌توانم ادعا کنم در این زمینه موفق شدم. مخاطبان باید نظر دهند. بدون تعارف خودم را شاگرد عرصه هنر و تئاتر می‌دانم. سعید چند جذابیت برابم داشت. سابقه تئاتر طنز البته نه به معنای مرسوم‌ی که فقط برای خنده است، بلکه تئاترهایی که محتوایی را هم انتقال می‌دهد، داشتم. خیلی برابم جذاب بود تجربه تصویری این چنینی هم داشته باشم. علاوه‌براین به دلیل چهره و سابقه کارهایی که از من دیده شده‌است بعضی بچه‌ها به شوخی من را اسیدجواد هاشمی آینده صداوسیما می‌دانند. به همین دلیل کارگردان و تهیه‌کنندگان معمولاً ریسک نمی‌کنند تا به من نقش‌های متفاوت پیشنهاد دهند. این به عنوان بازیگر برابم آزاددهنده بود؛ چون دوست داشتم نقش‌های متفاوت را اتود بزنم و فکر می‌کنم توانایی‌اش را هم دارم. البته برخلاف بازیگرانی که دوست ندارند در یک نقش کلیشه شوند، من اتفاقاً بدم نمی‌آید. نگاهم به بازیگری فقط شغلی نیست؛ نگاه رسانه‌ای هم دارم. بدم نمی‌آید به شخصیتی تبدیل شوم که وقتی آدم‌ها من را می‌بینند یک عقبه در ذهنشان بیاپد. در سینمای دنیا هم این اتفاق می‌افتد. مثلاً به بازیگری که نقش مسیح را بازی می‌کند، کمپانی پول می‌دهد و می‌گوید تا ۲۰ سال هیچ نقشی را بازی نکن چون عقبه نقش‌هایت در ذهن مخاطب می‌آید. البته برعکسش هم هست و همان کمپانی ممکن است به بازیگری که نقش یک پیغمبر را بازی کرده باشد؛ نقش آدم خلاف را می‌دهد تا آن عقبه را تغییر دهد. خلاصه من ایایی ندارم در این مدل نقش‌ها کلیشه شوم. شیرینی سعید و بودن در این گروه باغد‌ه، برابم جذاب بود. آن ترسی هم که می‌گویند هم هنوز دارم و همچنان برطرف نشده و نمی‌دانم سعید شد آنچه باید می‌شد یا نه. پدر آقای رستگار را درآوردم و خیلی درباره پردارش این شخصیت واگو پ زدم. سعید به تنهایی طنز نوشته نشده‌است و در موقعیت با دیگر آدم‌های داستان لحظه‌های کمدی ایجاد می‌کند.

با دیدن کار از خودتان راضی هستید؟

از یک بخش‌هایی راضی هستم و از بخش‌هایی نه. در برخی قسمت‌ها فکر می‌کنم اگر تامل بیشتری داشتم ایده‌های بهتری برای اجرا به ذهنم می‌رسید. در همه کارها همین‌طور است. فکر می‌کنم حداقل‌ها را دارم و مخاطبان با دیدن من اذیت نمی‌شوند. جا دارد از محمدمهدی رضایی، آرش ماهان‌کیا، فرشاد کلیاسی و دیگر دوستانی که در این نشست نشستند تشکر کنم. از همه‌ها بازی‌هایم ممنونم که در این سریال که از آنها یاد گرفتیم و همه به همدیگر کمک کردیم.

قصه با بیکار شدن سعید آغاز می‌شود؛ اما خیلی با منطق جور در نمی‌آید؛ اگر سعید به میزانی که در متن تأکید شده، دانشمند است، چطور تا این حد نزول پیدا می‌کند و می‌رود با پسرخاله‌اش در آن فضا کار می‌کند؟ خودتان چقدر این اتفاق را باور کردید؟

متأسفانه نمونه‌هایی از سعید را دیده بودم یا درباره‌شان خوانده بودم. در واقعیت هم بعضی دانشمندان ما که آدم‌های تاثیرگذاری در صنعت هسته‌ای بودند، مثلاً دارند در تاسیسات یک هتل یا اداره آب و فاضلاب کار می‌کنند!

پس نمونه عینی‌اش را دیده‌اید؟

بله، متأسفانه اتفاق‌هایی که در این هشت سال افتاد. البته

اتفاقی، اتفاق‌های خوب هم داشتیم. باعث شد چنین شود. من آن

آدمی را که الان دارد در اداره آب و فاضلاب کار می‌کند، می‌شناسم.

اول که این شخص به خبرگزاری می‌آید، چا دهیم.

کسی سکانس اولیه را ندیده باشد متوجه دلیل حضور این بخش نمی‌شود!

بامروت‌نژاد: سعی کردیم چند چنگک در این مورد در کار قرار دهیم. مثل سکانس‌ها و همچنین صفحه سلبریتی پلاس که نشان می‌دهد این استندآپ پستی در آن صفحه است. درواقع در این مورد یک کاشت دراماتیک داریم. تمهید دیگری هم که برای نرم‌تر کردن آن داشتیم این است که جز یک قسمت، استندآپ در آخر هر قسمت پخش می‌شود. یعنی از بافت دراماتیک قصه بیرون آمد. دلیل حضورش هم این است که خواستیم این اثر ماسا با زمانه خود باشد. هر چند سیتکام به دلیل شرط تولید این امکان را فراهم می‌کند اما در کار ما یک فاصله چند ماهه از ساخت تا پخش وجود داشت. باتوجه به پویا بودن ساختار سیتکام این اجازه را داشتیم که این بخش را اضافه کنیم و از اتفاقات روز مثل سیل آلمان و... بگوییم تا مخاطب تازه بودن آن را احساس کند. اما این که در دل کار نشسته است یا نه را مخاطب باید تشخیص دهد و ممکن است در فصل بعد با تغییراتی همراه باشد.

البته انتظار می‌رود فردی با این سطح از دانش که در سریال به آن

اشاره می‌شود بعد از چنین اتفاقی بتواند از پس خود بر بیاید و با توجه به دسترسی‌هایی که دارد، کاری بهتر برای خود پیدا کند.

برای مثال مشاغل زیادی داریم که با آمدن فضای مجازی رنگ باختند. مثلاً عکاس‌هایی که کنار برج آزادی می‌ایستادند و از مردم با برج عکس می‌گرفتند، الان نیستند یا مثلاً وقتی شما عمرتان در کار خبر می‌گذارید اما به یکباره این فضای کاری نابود می‌شود، می‌بینید عمرتان را صرف کاری کردید که دیگر الان نیست. دارم دموی کوچکی از این ماجرا را می‌گویم نه آن میزان تخصصی که شما مدنظران است. در همین جمع آدمی داریم که کارشناس ارشد فیزیک هسته‌ای دارد و الان نویسنده این سریال شده‌است.

چه کسی؟

آقای عموکاظمی، نویسنده. خودش داغدار این قضیه است.

آقای عموکاظمی، پس می‌شود آن عشقی که در سعید نسبت به کتاب‌هایش و این

علم وجود دارد از شما به او تزیق شده‌است؟

عموکاظمی: سعید دانشمند است و من یک دانشجوی ساده فیزیک هسته‌ای در دانشگاه امیرکبیر بودم.

دانشجوی دانشگاه امیرکبیر شدن ساده نیست!

عموکاظمی: به هر حال من دانشمند نیستم. نکته‌ای را که شما می‌گویید سعید در قسمت اول می‌گوید. می‌خواهد هیات علمی دانشگاه شود اما برای هیات علمی شدن باید فراخوان داده باشند و حق‌التدریسی هم خیلی حقوقش کم است. سعید دارد ازدواج می‌کند و برای تهیه خانه تحت فشار است. از آن طرف رضا خالی‌بندی می‌کند و می‌گوید درآمد زیادی خواهی داشت. به همین دلیل تصمیم می‌گیرد به آنجا برود تا کار هیات علمی درست شود.

قرار است کارتان ادامه داشته باشد؟

رستگار: این به نظر آقای بامروت‌نژاد بستگی دارد اما فکر می‌کنم این اتفاق بیفتد. **رجبی:** قول دادند من در ادامه متاهل شوم. (می‌خندد)

قرار است شخصیت‌های تازه به قصه اضافه شوند؟

عموکاظمی: بله. یکی از ویژگی‌های سیتکام در نمونه‌های خارجی هم این است که بیشتر بازیگران در فصل اول چهره نیستند؛ طی چند فصل مخاطب با اینها آشنا می‌شود و تبدیل به چهره می‌شوند. این برخلاف نمونه‌های مشابه سیتکام در ایران است که تاکنون ساخته شده. مخاطب در مقابل آدم‌های غیرچهره‌گارد دارد و حتی اگر چیز بامزه‌ای بگویند، می‌گوید چرا باید به این بخندم؟! این مساله با تکرار حل می‌شود. مخاطب باید آتقدر اینها را ببیند که به آنها نزدیک شود. خطوط داستانی سیتکام خیلی باریک است و امکان دارد در برخی از آنها اتفاق خاصی نیفتد. آنچه بیشتر انتقال می‌دهد سبک زندگی و روابط بین شخصیت‌هاست.

پس برای تاثیرگذاری باید ادامه‌دار باشد.

مدت زمان قسمت‌ها هم بیشتر می‌شود و ممکن است در زمان بخش اصلی سریال‌های شبکه سه قرار بگیرد؟

بامروت‌نژاد: بازخورد این قسمت‌ها خیلی می‌تواند به ما در تغییر زمان کار، جنس شوخی‌ها و دیگر جزئیات کمک کند. در این ۱۳ قسمت تقریباً هشت قسمت بالای ۴۰ دقیقه بود به همین دلیل فکر می‌کنم افزایش زمان کار و رفتن به باکس اصلی، زیاد کار دور از دسترسی نیست. همچنان اول راه هستیم و هنوز کار خارق‌العاده‌ای اتفاق نیفتاده‌است. حالا حالا می‌شود از این جمع انتظار کارهای بهتر داشت. **ج**



بازیگری و... کار را می‌بینم متوجه می‌شوم کار آبرومندی از آب درآمده است. آدم‌هایی که نمی‌شناسم به من پیام دادند و گفتند حالشان با این سریال خوب است. اتفاق خوبی برایمان افتاد و فراتر از حد انتظار دیده شد. اگر مثلاً زمان هر قسمت بیشتر بود و در باکس اصلی شبکه سه روی آنتن می‌رفت، واقعاً در حد عالی دیده می‌شد.

تمایل دارید بازیگری را در همین فضای کمدی

ادامه دهید؟

خلیل‌نژاد: فضای ذهنی خودم به کمدی نزدیک‌تر است. کارهای جدی هم داشتم اما اگر بخواهم میانشان انتخاب کنم، قطعاً انتخابم طنز است. اتفاق‌های پشت صحنه کارهای طنز خیلی دلچسب‌تر است و همه حالشان خوب است. صبوری و انرژیات شاید خیلی بیشتر از یک کار جدی یا اکشن باشد. کار کمدی خیلی با حال من عجین‌تر است. جا دارد از همه عوامل این سریال تشکر کنم. خیلی گروه باخلاق، همدل و دغدغه‌مندی هستند. از مسؤؤلانی هم که کار را پخش کردند ممنونم. خیلی جاها فکر می‌کردیم تیغ سانسور کار و بازی‌های ما را خراب کند ولی با کارمان مهربان بودند.